

UAE-Türkiye Relations: Balanced Cooperation (2011-2023)

Mehdi Zibaei¹

DOI: [10.48308/piaj.2025.239260.1669](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.239260.1669) Received: 2025/3/22 Accepted: 2025/6/21

Original Article

Extended Abstract

Introduction: If revolutions are considered as catalysts for changes in the international order, then the wave of Arab uprisings marked the beginning of a new regional configuration—one that, more than a decade later, continues to shape the Middle East. This wave began in Tunisia in late 2010 and quickly spread across both Arab and non-Arab countries in the region. The initial outcome of these protests was the toppling of five regimes—in Tunisia, Egypt, Libya, Yemen, and ultimately Syria—leading to a transformation in the constellation of actors in Middle Eastern international relations. Formerly central states such as Egypt, Syria, and Jordan gradually lost their dominant positions, while countries like the United Arab Emirates (UAE), Türkiye, and Qatar emerged as key regional players. Among these developments, the evolving relationship between the UAE and Türkiye stands out as particularly significant, as both have become leading actors in this new geopolitical landscape. Despite sharing a common religious identity as Sunni-majority Muslim nations, the two states have often clashed due to their differing interpretations and applications of political Islam. This geopolitical rivalry has manifested across the region—from the Eastern Mediterranean to the southern Persian Gulf, and from Syria to Libya.

Methods: This study applies the theory of the balance of power to examine the relationship between Türkiye and the UAE in the aftermath of the Arab uprisings. To understand their interactions and access to national resources, it is necessary to analyze both the dynamics of balance and instances of mutual cooperation. The research employs a mixed-methods approach, combining quantitative data with qualitative analysis. The quantitative component involves statistical data related to economic, political, and other forms of bilateral engagement to iden-

1. Associate Professor of International Relations, Faculty of Social Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. zibaei@soc.ikiu.ac.ir



tify patterns and trends. The qualitative component uses a descriptive-analytical method to explore episodes of both cooperation and conflict, drawing on content analysis of primary documents. Sources include academic books, peer-reviewed articles, theses, credible websites, and international reports from research institutions. Every effort has been made to analyze the data impartially and without bias. This hybrid methodology produces well-documented and credible insights into the UAE–Türkiye relationship and enables a more rigorous testing of the study’s hypothesis.

Results and Discussion: Research findings indicate that, despite diverging approaches to regional developments and differing attitudes toward political Islam in both domestic and foreign policy, Türkiye and the UAE have maintained relatively strong economic relations by recognizing and responding to mutual needs. Within the framework of the balance of power theory, the two countries have acted as geopolitical counterweights to each other, while simultaneously forging pragmatic economic partnerships that transcend their political differences. This mutual dependency has led to notable recalibrations in national interests. Economic indicators point to a steady strengthening of cooperation over the decade following the Arab uprisings. Since 2021, these relations have expanded considerably, with both countries setting ambitious goals for bilateral trade, targeting an exchange exceeding \$30 billion in the near future.

Conclusion: The trajectory of UAE–Türkiye relations demonstrates that political realism views international politics as the outcome of rational choices aimed at securing national interests. In this realist framework, states can—and often do—cooperate economically even while disagreeing politically. This pragmatic approach, based on mutual needs, creates opportunities to address shared challenges in a constructive atmosphere. A review of the past decade reveals that the UAE and Türkiye have engaged in consistent and constructive economic cooperation, even while acting as mutual constraints in regional geopolitics. Acknowledging its vulnerabilities as a small, sparsely populated state, the UAE has sought to benefit from Türkiye’s regional capabilities. Conversely, Türkiye’s economic fragility and dependence on foreign investment have encouraged it to develop a relationship with the UAE characterized by political restraint and economic collaboration. This evolving model reflects a broader pattern in international relations, where states balance competition with cooperation in pursuit of long-term strategic objectives.

Keywords: Emirates, Türkiye, cooperation, confrontation, economy

Citation: Zibaei, Mehdi. 2025. UAE–Türkiye Relations: Balanced Cooperation (2011-2023), Political and International Approaches, Summer, Vol 17, No 2, PP 88-110.



روابط امارات متحده عربی و ترکیه: همکاری متوازن (۲۰۱۱-۲۰۲۳)

مهدی زیبائی^۱

DOI: [10.48308/piaj.2025.239260.1669](https://doi.org/10.48308/piaj.2025.239260.1669)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۱

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: اگر انقلاب‌ها را نقطه شروع تغییر نظم بین‌المللی بدانیم، موج ناآرامی‌های عربی زمینه‌ساز ظهور نظم جدیدی شد که با وجود گذشت بیش از یک دهه، همچنان منطقه را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. این موج از اواخر ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد و به سرعت در کشورهای عربی و حتی غیر عرب خاورمیانه گسترش یافت. اولین نتیجه این اعتراضات سرنگونی پنج حاکم در تونس، مصر، لیبی، یمن و در نهایت سوریه بود که منجر به تغییر بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل خاورمیانه شد. این بدان معناست که برخی از کشورها مانند مصر، سوریه و اردن دیگر در مرکز معادلات قدرت منطقه‌ای قرار ندارند، در حالی که برخی دیگر مانند امارات متحده عربی، ترکیه و قطر به عنوان بازیگران اصلی خاورمیانه پس از ناآرامی‌های عربی ظاهر شدند. در این میان، رابطه امارات و ترکیه موضوع قابل توجهی است که باید مورد بررسی قرار گیرد، زیرا آنها بازیگران اصلی منطقه در این دوره جدید هستند. ناآرامی‌های عربی تأثیر عمیقی بر تغییر روابط بین این دو بازیگر گذاشت. علیرغم تعلق هر دوی این بازیگران به جهان اسلام و سنی بودن، دیدگاه‌های متفاوت آنها در مورد نقش و اجرای اسلام سیاسی منجر به درگیری بین آنها شده است. این درگیری ژئوپلیتیکی از شرق مدیترانه تا لبه جنوبی خلیج فارس و از سوریه تا لیبی مشهود است.

روش: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه موازنه قوا به بررسی روابط ترکیه و امارات در دوره پس از ناآرامی‌های عربی می‌پردازد. تجزیه و تحلیل موازنه و همکاری متقابل آنها برای دسترسی به منابع ملی مربوطه ضروری است. روش تحقیق ترکیبی از داده‌های کمی و تحلیل کیفی است. در بخش کمی، از داده‌های آماری روابط اقتصادی، سیاسی و سایر روابط بین دو کشور برای شناسایی الگوها و روندها استفاده می‌شود. بخش کیفی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌کند تا با تحلیل محتوای اسناد، روابط دوستانه و خصمانه آنها را عمیق‌تر بررسی کند. منابع

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
zibaei@soc.ikiu.ac.ir



این مطالعه شامل کتب، مقالات علمی معتبر، پایان نامه‌ها، وب سایت‌های مرتبط و گزارشات بین‌المللی موسسات تحقیقاتی است. تلاش شده است تا داده‌ها با رویکردی بی‌طرفانه تحلیل شوند. این رویکرد ترکیبی نتایج مستند و قابل اعتمادی را به دست می‌دهد که درک روابط امارات و ترکیه را افزایش می‌دهد و به طور مؤثرتری فرضیه تحقیق را آزمایش می‌کند.

یافته‌ها: بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در دوره پس از ناآرامی‌های عربی، علیرغم جهت‌گیری‌های متفاوت این دو بازیگر نسبت به تحولات منطقه‌ای و نقش اسلام سیاسی در امور داخلی و خارجی، آنها با شناخت نیازهای متقابل، روابط اقتصادی نسبتاً خوبی را حفظ کرده‌اند. در اصل، در چارچوب تئوری موازنه قوا، این بازیگران از نظر نفوذ ژئوپلیتیکی به عنوان محدودیت بر یکدیگر عمل کرده‌اند، در حالی که در بخش اقتصادی، بدون توجه به تقابل‌های سیاسی، شرکای قابل اعتمادی بوده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که این احساس نیاز متقابل منجر به تعدیل در منافع ملی مربوطه آنها شده است. تحلیل شاخص‌های اقتصادی حاکی از تقویت همکاری بین این بازیگران در دوره ۱۰ ساله پس از ناآرامی‌های عربی است. این روابط از سال ۲۰۲۱ به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است و هدف آنها حصول حجم تبادل اقتصادی بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال‌های آینده است.

نتیجه‌گیری: روابط متقابل این دو بازیگر نشان می‌دهد که سیاست در معنای واقع‌گرایانه آن بازتابی از انتخاب‌های عقلانی برای تحقق منافع ملی است. به عبارت دیگر، از منظر واقع‌بینانه، دولت‌ها می‌توانند و باید با یکدیگر همکاری کنند و در عین حال اختلاف داشته باشند. این همکاری و نیاز متقابل این فرصت را برای آنها فراهم می‌سازد تا در فضایی صمیمانه به مشکلات مربوطه رسیدگی کنند و راه‌حل بیابند. مروری بر تاریخ روابط میان امارات و ترکیه در دهه گذشته نشان می‌دهد که این دو بازیگر علیرغم خویشتن‌داری متقابل در معادلات منطقه‌ای، همکاری‌های اقتصادی سازنده نیز داشته‌اند. امارات متحده عربی، با تشخیص آسیب‌پذیری‌های ذاتی خود به عنوان یک کشور کوچک و کم جمعیت، به دنبال جلب حمایت ترکیه است. از سوی دیگر، ضعف اقتصادی و وابستگی ترکیه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی منجر به توسعه الگوی خاصی از روابط شده که نشان‌دهنده خویشتن‌داری متقابل از منظر سیاسی و همکاری متقابل از منظر اقتصادی است.

واژگان کلیدی: امارات، ترکیه، همکاری، تقابل، اقتصاد.

استناددهی: زیبایی، مهدی. ۱۴۰۴. روابط امارات متحده عربی و ترکیه: همکاری متوازن (۲۰۱۱-۲۰۲۳). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان، سال ۱۷، شماره ۲، ۸۸-۱۱۰.

۱. مقدمه

پیش از شروع ناآرامی عربی، امارات به واسطه تغییر در کادر مدیریتی و انتقال قدرت به رهبران جوان و جاه طلب در مسیر تغییر قرار گرفته بود. به این معنی که رهبران جدید این کشور با بازتعریف نقش منطقه‌ای و جهانی خود به دنبال تغییر موقعیت در نظام بین‌الملل بودند. در این چارچوب، امارات با سمت‌گیری در محور صلح امریکایی در خاورمیانه پس از حمله مشترک امریکا و بریتانیا به عراق در سال ۲۰۰۳ و جنگ ۳۳ روزه بین حزب‌الله و اسرائیل در تابستان ۲۰۰۶ در مقابل محور مقاومت قرار داشت. به عبارت دیگر، امارات در کنار بیشتر عموزاده‌های عرب خود مسیرش را از بازیگران متأثر از هلال شیعی در آن بازه زمانی جدا نمود. از منظر اقتصادی نیز این کشور از دهه ۲۰۰۰ گام‌های اولیه را برای متنوع‌سازی ساختار اقتصادی خود به‌عنوان یک کشور وابسته به سوخت‌های فسیلی برداشت. در این ارتباط، اجاره بنادر تجاری در ایالات متحده یا همکاری‌های فنی پنهان با شرکت‌های اسرائیلی نمونه‌های اولیه‌ای از اقداماتی به حساب می‌آیند که این کشور در پیش گرفت.

در سوی دیگر، ترکیه در دوره پیش از ناآرامی‌های عربی گام‌های اولیه برای بدل شدن به یک بازیگر منطقه‌ای را می‌پیمود. دولت ترکیه پس از سرنگونی نظام خلافت در آن کشور و تبدیل شدن به نظام جمهوری مسیر خود را از دیگر بازیگران منطقه خاورمیانه جدا نمود و در طول نزدیک به ۸۰ سال به دنبال ورود به اتحادیه اروپا و پشت نمودن به عقبه تاریخی خود بود که البته در این مسیر به نتیجه نرسید. با انتقال قدرت به حزب اسلام‌گرای لیبرال عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، این کشور در چارچوب نظریه «عمق استراتژیک» احمد داوود اغلو، ژئوپلیتیسین بزرگ آن کشور، اقدام به بازتعریف نقش و جایگاه منطقه‌ای خود به‌عنوان یک بازیگر عضو ناتو در خاورمیانه نمود. در این چارچوب، ترک‌ها به واسطه در نظر گرفتن نقش تاریخی پدری بجا مانده از دوره امپراتوری عثمانی برای خود در سرزمین‌های عربی، سعی نمود ائتلافی از کشورهای سنی مذهب تشکیل دهند تا بدین وسیله ضمن احیا جایگاه سنتی خود، دامنه نفوذ منطقه‌ای ایران و محور مقاومت معطوف به آن را مهار کنند.

نکته قابل توجه اینکه ترکیه برخلاف همپیمانان منطقه‌ای خود در محور صلح امریکایی نظیر امارات یا عربستان دفاع از جریان‌های اسلام‌گرای نزدیک به اخوان المسلمین را در دستور کار قرار داد و در این میان به‌طور خاص در خصوص مساله فلسطین در نقش حامی ظاهر شد. این دو جهت‌گیری نقاط اصلی اختلاف آن با دیگر کشورهای عضو محور صلح امریکایی به استثناء قطر بود. در میان فشار ناشی از برنامه‌های بلندپروازانه رهبران ترکیه برای بدل شدن به بازیگر اول منطقه در دوره پس از ناآرامی‌های عربی و تحولات ناشی از تغییر نظم در سطح بین‌الملل و کمرنگ شدن نقش امریکا در خاورمیانه، ترک‌ها راه استقلال از ایالات متحده را در پیش گرفتند که این امر موجب ایجاد تنگناهای اقتصادی شدید برای کشورشان گردید. به‌طوریکه در یک عقب‌نشینی چشمگیر، ترکیه روند سیاست خارجی که در فردای گسترش ناآرامی‌های عربی در پیش گرفت را تغییر دارد و برای مرتفع نمودن مشکلات اقتصادی خود به دامان کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس از جمله امارات برگشت تا با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشکل خود را حل کند.

تصویر فوق، گویای رابطه تضاد در عین همکاری بین دولت‌های امارات و ترکیه در دوره پس از ناآرامی‌های عربی به طور دقیق‌تر در بازه زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ می‌باشد که علیرغم تنش‌های عمیق بین این دو بازیگر مسیر همکاری بین آنها را فراهم نموده است. در ادامه برای تبیین بهتر روابط این دو کشور به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای پس از ناآرامی‌های یاد شده، ابتدا تفاوت این اثر با آثار به نگارش درآمده پیرامون نقش منطقه‌ای دو کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت. سپس چارچوب تئوریک بحث در پرتو نظریه موازنه قدرت به دلیل همگرایی در عین واگرایی دو بازیگر بیان می‌شود. در نهایت از دو منظر سیاسی و اقتصادی رابطه آنها طی بخش‌های مجزا بررسی خواهد گردید.

۲. پیشینه پژوهش

یکی از آثار برجسته به نگارش درآمده پیرامون رفتار منطقه‌ای امارات طی دو دهه اخیر مقاله «تحول در سیاست منطقه‌ای امارات متحده عربی؛ رهیافت محمد بن زاید» به قلم هادی غلام‌نیا و سعید پیرمحمدی است. به باور نویسندگان روند تغییر جایگاه منطقه‌ای امارات از یک قدرت حاشیه‌ای به یک بازیگری تاثیرگذار طی سال‌های اخیر به سرعت رقم خورده است. دلیل این امر به‌طور توانمند برآمده از تحولات داخلی ناشی از ظهور رهبران جوان عمل‌گرا در کنار شرایط فراملی ارتباط پنهان با اسرائیل و برخورداری بیشتر از حمایت امریکا است. امارات در سال‌های اخیر دامنه نفوذ و نقش‌آفرینی خود را در دو حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا تعریف نموده است و در این چارچوب محمد بن زاید نقطه کانونی تغییر رفتار امارات در حوزه بین‌الملل محسوب می‌گردد (غلام‌نیا و پیرهادی، ۱۳۹۹).

دیگر اثر قابل توجه در خصوص امارات مقاله «سیاست خارجی نوین امارات در منطقه غرب آسیا» نوشته کاظمی دوبخشری و همکاران است. طبق این نوشتار، بهار عربی که در سال ۲۰۱۱ بخش اعظم کشورهای منا^۱ را در بر گرفت، منطقه را وارد شرایط تازه‌ای ساخت که هم نظم و هم رفتار پاره‌ای از بازیگران را تغییر داد. در این راستا، امارات تلاش نمود با وجود نواقص ذاتی چون مساحت جغرافیایی محدود یا جمعیت پایین برای عمل نمودن به‌عنوان یک بازیگر تاثیرگذار، در سایه تحولات برآمده از بهار عربی در هیأت یک بازیگر منطقه‌ای ظاهر گردد (کاظمی دوبخشری و همکاران، ۱۴۰۰).

در حوزه مطالعات سیاست خارجی ترکیه مقاله «اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه» به قلم ولی گل محمدی و همکاران از جمله آثار قابل ملاحظه محسوب می‌گردد. مقاله یاد شده به بررسی چگونگی فهم رهبران ترکیه، به‌طور خاص شخص اردوغان به‌عنوان رهبر حزب عدالت و توسعه، در خصوص دگرگونی‌های جدید به وقوع پیوسته در خاورمیانه و همچنین چگونگی تاثیر این تحولات بر سیاست خارجی منطقه‌ای ترکیه می‌پردازد. استدلال اصلی نوشتار مورد بحث این است که آن چیزی که به رفتار و رویکرد سیاست خارجی ترکیه در تغییرات اخیر منطقه خاورمیانه شکل می‌دهد، نه تنها واقعیتهای محیطی و راهبردی محیط بیرونی بلکه فهمی می‌باشد که سیاستمداران ترکیه، به‌یژه اردوغان به‌عنوان رهبر اصلی کشور، از این دگرگونی‌ها دارند (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

دیگر مطالب برجسته به نگارش درآمده پیرامون سیاست خارجی ترکیه مقاله «سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه: بنیان‌های محافظه‌کارانه، تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک» به قلم سید جلال دهقانی فیروزآبادی و نجمیه پوراسمعیلی است. هدف نویسندگان در این مقاله بررسی و شناخت ماهیت سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه و با کمک روش‌های تحلیل اهداف و روند، به مطالعه اقدامات و اهداف سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سیاست خارجی ترکیه تک‌ساحتی نیست بلکه چندگانه و چندبعدی می‌باشد. پاره‌ای از رفتارهای این کشور گویای ماهیت محافظه‌کارانه آن و برخی دیگر از رفتارهای آن، دلالت بر سرشت تجدیدنظرطلبانه سیاست خارجی این کشور دارد (دهقانی فیروزآبادی و پوراسمعیلی، ۱۳۹۷).

در میان آثار نگاشته شده به زبان انگلیسی نیز دو اثر برجسته وجود دارد. مقاله «بحران اقتصادی ترکیه و ابتکار روابط چندگانه اردوغان» نوشته نادر حبیبی از منظر ضعف اقتصادی ترکیه به روابط این کشور و رقبای منطقه‌ایش پرداخته است. بنا بر این مقاله رئیس‌جمهور ترکیه، یک ابتکار پویا برای بهبود روابط این کشور با چهار همسایه خاورمیانه: مصر، اسرائیل، عربستان سعودی و امارات را در سال ۲۰۲۰ آغاز کرد. اردوغان این سیاست را از سر ناچاری برای پایان دادن به انزوای ترکیه و جذب سرمایه‌گذاری مالی برای کاهش بحران اقتصاد داخلی خود در پیش گرفت. موفقیت این اقدام، به‌ویژه در رابطه با عربستان سعودی و امارات نفت‌خیز، برای رئیس‌جمهور اردوغان بسیار مهم بود زیرا او تلاش داشت شرایط اقتصادی را پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۳ بهبود بخشد (Habibi, 2023).

مقاله «ترکیه و امارات متحده عربی: از همکاری تا رقابت» به قلم مایکل بی. بیشکو عمدتاً از منظر ژئوپلیتیکی به روابط این دو کشور پرداخته است. نوشتار مذکور به بررسی روابط متقابل آنها از زمان استقلال امارات از بریتانیا تا به امروز در پرتو تغییرات منطقه‌ای و بین‌المللی دوران جنگ سرد و پس از جنگ سرد می‌پردازد. حزب عدالت و توسعه، ترکیه را یک نیروی پیشرو در توسعه منافع مسلمانان سنی در خاورمیانه و بقیه جهان اسلام می‌داند. علیرغم همکاری‌های سازنده دوجانبه در حوزه‌های دیپلماتیک، نگاه حزب عدالت و توسعه باهاخوان‌المسلمین روابط ترکیه با امارات را پیچیده کرده است، زیرا این کشور نگران جریان اصلاح، شاخه اماراتی اخوان، می‌باشد. از زمان سرنگونی محمد مرسی، رئیس‌جمهور مصر، رقابت ژئوپلیتیک این دو کشور بر سر موضوعات مختلف منطقه‌ای شکل گرفته است (Bishku, 2022).

چنانچه مشاهده شد، تمامی آثار به نگارش درآمده در این حوزه به زبان فارسی تنها به‌طور مجزا به سیاست منطقه‌ای امارات یا ترکیه پرداخته‌اند. آثار انگلیسی موجود در این حوزه نیز تنها به یک نگاه محدود و بخشی به ابعاد ژئوپلیتیکی یا تاثیر ضعف اقتصادی ترکیه در عقب‌گرد آن از سیاست‌های پیشین پرداخته‌اند. در این چارچوب، نوشتار حاضر قصد دارد با یک نگاه جامع ابعادی سیاسی و اقتصادی روابط متقابل این دو بازیگر را در دوره پس از ناآرامی‌های عربی به‌طور مجزا و دقیق مورد تحلیل قرار دهد.

۳. چارچوب نظری: موازنه قوا

نظریه توازن قوا/موازنه قدرت حاوی دو مفهوم توازن و موازنه است که با تسامح مفاهیم فیزیک و مکانیک را در ذهن تداعی می‌کند. اهل نظر، تبار نظریه توازن قوا را به توماس هابز می‌رسانند. این که بتوان با حداقل مفاهیم و حداکثر دامنه شمول، نظریه‌ای را پرداخت، آرمان نظریه‌پردازی علمی است. در سیاست بین‌الملل نیز دست کم نزد یک نحله‌ی تلاش بر این بوده که به مانند مکانیک که با مفاهیم محدود زمان، مکان، جرم و نیرو پارادایمی جهان‌گستر را شکل داده، با عزیمت از مفهوم قدرت، به فهم سیاسی بین‌المللی عام از این حوزه فراهم شود. یکی دیگر از انگاره‌های مفهوم موازنه قدرت از نگرش بدبینانه فلسفی - سیاسی به انسان منبعث شده که آن نیز بار ذهن را به سوی تاماس هابز و جمله مشهور وی می‌کشاند که انسان را گرگ انسان می‌پندارد (لیتل، ۱۳۸۹: ۱۳).

مورتون کاپلان قواعد اصلی چنین سیستمی را به گونه‌های مختلف دسته‌بندی و طرح می‌نماید. اولین قاعده مورد نظر وی، قاعده اقدام به افزایش توانایی‌ها و قدرت خود از طریق مذاکره می‌باشد، به عبارتی سیستم معطوف به قدرت است، چرا که هیچ‌گونه انسجام نهادی در سیستم بین‌الملل مشاهده نمی‌شود و اقتدار عالی‌ه بر آن حاکم نیست. به بیان دیگر، اصل آنارشی، دولت‌ها را متوجه قاعده افزایش قدرت می‌نماید و در صورت غفلت هر واحدی، واحدهای رقیب بر آن پیشی خواهند گرفت. دومین قاعده اصلی در مدل منطقی سیستم مذکور، این است که در صورت مشاهده وضعیت کاهش قدرت و از دست رفتن فرصت‌های احتمالی، می‌توان متوسل به جنگ شد.

به عبارتی، در صورت ناکارایی مذاکره برای افزایش قدرت می‌توان از میان دو بدیل جنگ و کاهش توانایی‌ها، بدیل جنگ را انتخاب نمود. دلیل توجیهی این قاعده نیز این واقعیت مهم است که مسئولیت حفظ منافع و امنیت هر واحدی در سیستم بین‌المللی بر عهده خود آن واحد می‌باشد و در صورتی که خود قادر به تامین آن نباشد، هیچ مرجعی برای یاری آن وجود ندارد و در صورت کاهش توانایی‌ها به طور حتم منافع آن در معرض تهدید و نابودی قرار می‌گیرد. به همین سبب می‌توان به هر وسیله ممکن، حتی جنگ متوسل شد. قاعده سوم نظام توازن قوا، این موضوع را مطرح می‌کند که در صورتی که جنگ سبب حذف یک بازیگر اصلی شود، آن جنگ بایستی متوقف گردد. از آنجا که سیستم موازنه برای کارکرد خود نیاز به حداقلی از بازیگران (به طور متوسط پنج بازیگر) خواهد داشت بنابراین جنگ بایستی از تعداد بازیگران اصلی بکاهد، چرا که با کاهش بازیگران، سیستم موازنه دچار ناکارایی خواهد شد.

مخالفت با هر گونه ائتلاف یا بازیگری که خواهان دستیابی به تفوق و استیلا در سیستم است، چهارمین قاعده اصلی سیستمی توازن قدرت را شکل می‌دهد. این قاعده ناشی از نگرش مورتون کاپلان به موضوع تنظیم سیستم می‌باشد. دستیابی به استیلاء و برتری ماهیت سیستم را تغییر خواهد داد. پنجمین قاعده سیستم در خصوص نقش سازمان‌های فوق ملی است. اینجا بایستی محدودیت شدیدی را بر واحدهای سیستم تحمیل نمود تا سیستم از پیوستن یا ایجاد سازمان‌های فوق ملی خودداری نماید که این اصل نیز در راستای قاعده پنجم قابل توجیه می‌باشد. سرانجام قاعده ششم و نهایی، مربوط به بازگشت عضو شکست خورده به سیستم می‌باشد. در هر صورت نباید اجازه داد که هیچ بازیگر اصلی در خارج از سیستم عمل

نماید، چراکه کارکرد موازنه را به مخاطره خواهد انداخت و از سوی دیگر از تعداد بازیگران اصلی سیستم کاسته خواهد شد که در صورت وجود این وضعیت از زمینه های اتحاد و ائتلاف لازم کاسته می شود (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۵۰).

در چارچوب قواعد شش گانه مورد اشاره کاپلان پیرامون ظهور نظام موازنه قوا، پاره ای از این قواعد را با تفسیری موسع می توان عامل تقابل و همکاری در جهت تامین منافع ملی در نظر گرفت. به عبارت دیگر، دولت ها برای دستیابی به منافع از پیش تعیین شده در شرایط آناشرشی در وهله اول باید اقدام به افزایش قدرت خود نمایند. در این راستا دولت ها می توانند در چارچوب استفاده از ابزارهای مختلف از جمله مذاکره، جنگ و همکاری، مسیر مورد نظر برای کسب منافع و مهار رقبا را هموار نمایند. منطقه غرب آسیا در دوره پس از ناآرامی های عربی تصویری از رقابت های جدی میان قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای است. به طوری که دولت های تاثیرگذار سعی در مهار قطب های قدرت رقیب و گسترش نفوذ خود هستند.

در این چارچوب، بازیگران برای ارتقا جایگاه خود و همچنین موازنه نرم رقبا شیوه همکاری در عین تقابل را نسبت به یکدیگر در پیش گرفته اند. به این معنی که تا زمانی که ائتلاف با یک بازیگر تامین کننده منافع باشد اتحادها پا برجاست، اما هنگامی که همان بازیگر از این ائتلاف سودمند می شود و مانعی برای تحقق منافع شریک اولیه به حساب می آید آن شریک راه و شیوه مقابله را برای تغییر موازنه منطقه ای به سود خود در پیش می گیرد. با توجه به توضیحات فوق و همچنین ماهیت روابط تقابلی و همکاری جویانه دولت های امارات و ترکیه در دوره پس از ناآرامی های عربی، به نظر می رسد نظریه موازنه قدرت برای فهم روابط بین دولت های مختلف و پیامدهای سیاسی-اقتصادی این ناآرامی ها بسیار کارآمد است.

۴. روابط سیاسی امارات و ترکیه در دوره پس از ناآرامی های عربی

در این بخش سعی بر آن است ابعادی از سیاست تقابلی دولت های امارات و ترکیه که در راستای ممانعت از ارتقاء جایگاه سیاسی هر یک طرفین در دوره پس از ناآرامی های عربی به وقوع پیوست، به طور موجز بررسی شود.

۴-۱. تقابل دیدگاه های منطقه ای

پیش از سال ۲۰۱۱ نشانه های محدودی از تقابل منافع و راهبردهای سیاست خارجی امارات و ترکیه وجود داشت، اما آنها هیچگاه در مقام رقیب منطقه ای به یکدیگر نمی نگریستند. ناآرامی های عربی این دو بازیگر را به طور بالقوه از نظر سیاسی به رقیب منطقه ای بدل نمود. آنکارا ناآرامی های مذکور را فرصتی برای تغییر ساختار قدرت قدیمی در منطقه و همچنین گسترش نفوذ خود می دانست. با روی کار آمدن دولت های دوست در یمن، تونس و مصر، حزب عدالت و توسعه با گرایش اسلام گرای لیبرال اردوغانی که نسبت به اخوان المسلمین همدل است، امیدوار بود نظم جدید منطقه ای جهان عرب را در راستای خواسته حزب عدالت و توسعه تغییر دهد، یعنی آغاز دوره ای از دولت های سنی منتخب متحد ترکیه بجای نخبگان

سکولار یا پادشاهی‌ها. این نگرش خطری برای چندین پادشاهی حوزه خلیج فارس بود. آنها با مخالفت داخلی محدودی مواجه بودند، اما جریان انقلابی در منطقه را چالشی بالقوه برای چانه‌زنی اقتدارگرایانه در جوامع خود می‌دانستند. در امارات، شکل بسیار محدودی از مخالفت که در جریان قیام‌های اعراب پدیدار شد، به شاخه محلی اخوان، حزب الاصلاح، ارتباط داشت.

در این زمینه، امارات بر این نظر بود که نظم منطقه نوینی در حال ترسیم است، امریکا و اروپا دیگر تمایلی به رهبری ندارند و همان‌طور که محمد بهارون، تحلیلگر ساکن امارات می‌گوید، «نظم جهانی پیشین تک قطبی بود. یک نظم جهانی شبکه‌ای جایگزین خواهد شد که در آن بازیگران منطقه‌ای می‌توانند به کاتالیزور آن تبدیل شوند (Aydintasbas & Bianco, 2021: 4). این مفهوم به نظم ژئوپلیتیکی اشاره دارد که در آن قدرت‌های بزرگ برای دسترسی و نفوذ به شبکه‌های سیاسی و اقتصادی به متحدان منطقه‌ای تکیه می‌کنند و از آنها حمایت می‌کنند. ابوظبی، آنکارا را در موقعیتی بشدت نگران‌کننده می‌بیند که به‌عنوان یک کاتالیزور عمل کند. علاوه بر این، آنکارا با یک شریک ثروتمند در قطر متحد است که برخلاف دیگر پادشاهی‌های خلیج فارس، جنبش‌های اسلام‌گرا را وسیله‌ای برای تقویت نفوذ خود در مصر، لیبی، سوریه و فراتر از آن می‌داند. اماراتی‌ها می‌ترسند که آنکارا و دوحه خود را در مرکز یک شبکه اسلام‌گرای منطقه‌ای قرار دهند و با این عمل امارات در حاشیه قرار گیرد.

۲-۴. تعمیق جدایی

مشکلات واقعی بین آنکارا و ابوظبی در سال ۲۰۱۳ آغاز شد، زمانی که ارتش مصر، محمد مرسى رئیس‌جمهور برآمده از انقلاب سال ۲۰۱۱ را در کودتای تحت حمایت پادشاهی‌های خلیج فارس و به رهبری ژنرال عبدالفتاح السیسی سرنگون کرد. اردوغان و دیگر رهبران حزب عدالت و توسعه از برکناری یک دولت دوست خشمگین شدند و اغلب ناراحتی خود را علناً ابراز می‌کردند. اردوغان این احساسات ضدکودتا را با نمایش نماد رابعه^۱ (چهار انگشتی) به‌عنوان بخشی از برنامه سیاسی خود و به یاد کشته‌شدگان در اعتراض به کودتا در میدان رابعه قاهره، ترویج نمود. سقوط مرسى در مصر تقریباً همزمان با اعتراضات پارک-گزی در ترکیه رقم خورد؛ یک قیام گسترده شهری در ترکیه که علیه دولت اردوغان بود. رهبر ترکیه با نشان دادن نماد رابعه در هر فرصتی، پایگاه محافظه‌کار خود را در برابر تظاهرکنندگان سکولار خیابانی تثبیت می‌کرد (Yesil, 2023: 2095). او اغلب به شباهت‌های بین مخالفان مرسى و معترضان ترک اشاره داشت، مبنی بر این که تظاهرات ترکیه توسط نیروهای خارجی هدایت می‌شوند که سعی داشتند اردوغان را سرنگون کنند. از قضا، این امر شباهت زیادی به روایت و استراتژی سیاسی رهبران امارات داشت که بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ از همان استدلال‌ها برای توجیه سرکوب شدید و گسترده جنبش کوچک مخالف داخلی وابسته به الاصلاح استفاده می‌کردند.

امارات با ایجاد پیوند بین اخوان المسلمین مصر و الاصلاح، حمایت خود از کودتا علیه مرسى در مصر را به‌عنوان یک موضوع امنیت ملی توجیه می‌کردند. رهبران حزب عدالت و توسعه بر این باور بودند

که کودتا در مصر با هدف مهار نفوذ ترکیه در منطقه بود و عملکرد آنها باعث افزایش محبوبیت ترکیه و اردوغان در خیابان‌های عربی می‌شد. این دو مورد از محدود مواردی بودند که آنکارا و ابوظبی بر سر آن توافق داشتند. از سال ۲۰۱۳، امارات برای خود مأموریتی جهت توقف این وضعیت تعریف نمود. ابوظبی با ایجاد موفقیت برای سیسی، سعی داشت با دولت تونس از جمله عناصر اسلامگرای آن، همراهی کند؛ به این امید که دولت تونس را به حفظ فاصله سالم از آنکارا متقاعد نماید (Fenton-Harvey, 2020).

۳-۴. تحولات درونی ترکیه

اگر کودتای مصر را نقطه شروع تقابل آشکار امارات و ترکیه بدانیم، کودتای ژوئیه ۲۰۱۶ در ترکیه نقطه واقعی گسست سیاسی این دو کشور از یکدیگر بود. ترکیه در وهله اول، فتح الله گولن روحانی ترک مستقر در آمریکا را متهم به سازماندهی این توطئه کرد و به‌طور آشکار خشم خود را متوجه آمریکا متحد دیرینه خود، نمود؛ به این خاطر که به گولن پناه داده بود. اما، دو هفته پس از تلاش عناصر ارتش ترکیه برای سرنگونی اردوغان، مقامات ارشد اطلاعاتی ترکیه ادعا کردند «دولت امارات با کودتاجیان در ترکیه قبل از شروع این برنامه همکاری داشته و از محمد دحلان، رهبر تبعیدی فتح به‌عنوان میانجی استفاده کرده و ادعاهایی مبنی بر تماس گولن با دحلان و همچنین پوشش خبری اسکای نیوز عربی مستقر در دبی و العربیه در شب کودتا و موفقیت آمیز نامیدن آن مطرح نمودند (Hearst, 2016). در عرض چند ماه، مفسران طرفدار دولت ترکیه کارزاری را آغاز کردند که مدعی بود امارات یک پروژه منطقه‌ای ضدترکیه را کلید زده است. مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه وقت ترکیه، در سال ۲۰۱۷ به گروهی از روزنامه‌نگاران گفت که امارات ۳ میلیارد دلار به جنبش گولن برای کودتا اختصاص داده است (Paksoy, 2017).

دسامبر ۲۰۱۹، اندکی قبل از امضای معاهده امنیتی ترکیه با دولت وفاق ملی و استقرار نیروها در لیبی، ترکیه حکم بازداشت دحلان را صادر کرد. روزنامه‌نگاران حکومتی او را به عنوان «پساده نظام منطقه‌ای امارات» توصیف و او را به «سازماندهی کودتای ۱۵ ژوئیه با ساختار دولتی موازی یا همان سازمان تروریستی گولنیست^۱ متهم نمودند. ترکیه در سال ۲۰۲۰، از طریق اینترپل اخطار قرمز برای دستگیری دحلان صادر کرد. این مواضع به آنکارا کمک کرد تا روایت خود را بسازد مبنی بر اینکه تلاش نافرجام کودتا و متعاقب آن انزوای منطقه‌ای ترکیه محصول یک توطئه گسترده جهانی علیه اردوغان و دوستانش است و نتیجه تنش‌های داخلی، رویکرد منطقه‌ای و در نهایت فاصله گرفتن آن از غرب نمی‌باشد. نگرش فوق، همچنین به اردوغان کمک کرد تا مخالفان داخلی خود را به‌عنوان نمایندگان قدرت‌های خارجی معرفی کند. این در حالی است که هیچ یک از شواهد موجود در دادرسی پرونده کودتای نافرجام ترکیه به نقش مستقیم امارات اشاره نمی‌کند (Aydıntasbas & Bianco, 2021: 4).

۴-۴. نقش آمریکا در افزایش تنش بین امارات و ترکیه (۲۰۲۱-۲۰۱۷)

با انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در نوامبر ۲۰۱۶، رقابت بین ترکیه و امارات تشدید شد. هر دو طرف با چراغ سبز ترامپ و پایان فشار ایالات متحده بر بازیگران منطقه برای جستجوی

1. Fethullah terrorist organization (FETO)

راه‌حل‌های مبتنی بر مذاکره پیرامون بحران‌ها جسارت یافتند. این امر امارات را بر آن داشت تا عربستان، بحرین و مصر را به یک تحریم هماهنگ سیاسی و اقتصادی علیه قطر در ژوئن ۲۰۱۷ با هدف محدود کردن توانایی دوحه برای تامین مالی سیاست‌های اسلام‌گرایان و ماجراجویی ترکیه در منطقه هدایت کند. نتیجه این شد که قطر پاره‌ای از منابع مالی خود را در جهت رسیدگی به مسائل داخلی تخصیص داد، اما تهدید فزاینده همسایگان، قطر را بسیار به ترکیه نزدیک و اتحاد دیپلماتیک آنها را به یک مشارکت نظامی تبدیل نمود (Jabbour, 2022: 10-11). در این فضا، امارات تقابل خود با اخوان المسلمین را به صحنه‌های جدیدی کشاند. ابوظبی با شرکت در جنگ تحت رهبری عربستان علیه شورشیان حوثی یمن، ریاض را متقاعد به مقابله با شاخه اخوانی یمن یعنی حزب الاصلاح نمود که رهبران آن روابط دوستانه‌ای با آنکارا دارند.

امارات در سوریه با کردها ارتباط گرفت و از مبارزه علیه تهاجمات مداوم ترکیه به این کشور حمایت کرد. این کشور به همراه عربستان، عملیات نظامی سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ترکیه به ترتیب در عفرین و شمال شرق سوریه را محکوم کردند. آنها حتی با رقبای اصلی ترکیه در شمال سوریه یعنی یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه^۱ و نیروهای دموکراتیک سوریه^۲ تحت سلطه کردها ارتباط گرفتند (Al Shami, 2022). در سال ۲۰۲۰، رهبران امارات به بهانه دیپلماسی بشردوستانه کرونایی، با بشار اسد دیدار و توانایی او را برای مقاومت در برابر نفوذ ترکیه در شمال سوریه تقویت نمودند. دولت امارات، بشار اسد را تشویق به پذیرش آتش‌بس با میانجیگری روسیه در ادلب در ازاء مبارزه با شورشیان مورد حمایت ترکیه کرد. در شمال افریقا نیز از سال ۲۰۱۸، امارات برای ایجاد روابط با اتیوپی، اریتره و سومالی‌لند با هدف کاهش نفوذ ترکیه یا مقابله با رهبران مورد حمایت آن سرمایه‌گذاری کرد. امارات و عربستان با دخالت در انقلاب ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ رژیم عمر البشیر را که نزدیک به ترکیه و قطر بود، سرنگون ساختند و سودان را بدون کنترل تحت نفوذ خود قرار دادند (Gallopın, 2020: 25-31).

رفتار توسعه‌طلبانه ترک‌ها در منطقه منا در بازه پس از ناآرامی‌های عربی هزینه‌ای به میزان انزوا، حذف و بحران اقتصادی برای آنها به دنبال داشت. ترکیه برای قوی نگه داشتن اقتصاد خود به شدت به صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی متکی است و تنش‌های فزاینده این کشور با ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای سرمایه‌گذار از جمله امارات تأثیر نامطلوبی بر هر دو شاخص داشت. به‌طوری که ترکیه کسری تجاری بی‌سابقه‌ای را در سال ۲۰۲۰ تجربه کرد و ذخایر ارز خارجی بانک مرکزی آن به شدت، از ۸۴ میلیارد دلار در ژانویه ۲۰۱۸ به ۴۰ میلیارد دلار در اکتبر ۲۰۲۰، کاهش یافت (Habibi, 2023: 4). در این چارچوب، اردوغان در اواخر سال ۲۰۲۰، یعنی یکسال قبل از انتقال قدرت به بایدن در کاخ سفید، با تجدیدنظر در رفتار منطقه‌ای خود عادی‌سازی روابط دیپلماتیک را با رقبای منطقه‌ای از جمله امارات در پیش گرفت. چون این وضعیت نه تنها تداوم کار حزب عدالت و توسعه را تحت‌الشعاع قرار می‌داد بلکه تأثیر سویی بر انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۳ این کشور داشت.

1. Yekîneyên Parastina Gel (YPG)
2. Hêzên Sûriya Demokratîk (SDF)

۴-۵. منطقه مدیترانه

لیبی در میان عرصه‌های گوناگون درگیری بین امارات و ترکیه میدان اصلی نبرد جنگ نیابتی بود. اماراتی‌ها از آغاز مداخله ناتو در سال ۲۰۱۱ در لیبی فعال بودند. در سال ۲۰۱۳، با موافقت امریکا و با هماهنگی فرانسه و عربستان، مواضع امارات در لیبی قاطع‌تر شد و از کمپین به اصطلاح ضد تروریسم حفر حمایت نظامی نمود. این امر او را قادر ساخت تا شرق لیبی را فتح و در نهایت یک کارزار نظامی برای بازپس‌گیری پایتخت لیبی از دولت وفاق ملی به رسمیت شناخته شده از سوی سازمان ملل و تحت رهبری فائز السراج آغاز کند. وضعیت مذکور باعث شد تا ترکیه و قطر حمایت خود را از دولت وفاق ملی دوچندان کنند؛ به این امید که از استقرار یک رژیم دیگر تحت حمایت امارات در شمال آفریقا جلوگیری نمایند. البته، در مورد ترکیه، بازپرداخت بدهی ۴ میلیارد دلاری لیبی به شرکت‌های ترک نیز مد نظر بود (Zaptia, 2022). در آوریل ۲۰۱۹، مستشاران ارتش ترکیه به دفع حمله حفر به پایتخت کمک کردند. در دسامبر سال بعد، ترکیه پیش از استقرار نیروهایش در لیبی، قرارداد امنیتی و صلاحیت دریایی را با دولت وفاق ملی امضا کرد. در عرض چند ماه، مداخله ترکیه پویایی درگیری را تغییر داد و نیروهای حفر را از شهرهای کلیدی در غرب لیبی بیرون راند. در اوت ۲۰۲۰، پس از حمله یک هواپیمای ناشناس به پایگاه هوایی واتیا در لیبی که تحت کنترل ترکیه بود، خلوصی آکار، وزیر دفاع ترکیه به الجزیره گفت «امارات از سازمان‌های تروریستی متخاصم به قصد آسیب رساندن به ما حمایت می‌کند.» او نسبت به تلاقی این اقدام هشدار داد (Soylu, 2020). درگیری‌های لیبی منجر به تشکیل یک خط نبرد در شمال آفریقا شد، با حمایت ترکیه از دولت وفاق ملی در حالی که امارات، مصر، روسیه و فرانسه پشتیبان نیروهای حفر بودند.

آلمان در ژانویه ۲۰۲۰، میزبان کنفرانسی به منظور بررسی تحولات لیبی بود. این کنفرانس با شرکت حامیان اصلی هر دو جناح درگیر در لیبی برگزار شد و در آنجا توافق گردید تا آتش‌بس دائمی برقرار شود، حل و فصل اختلافات به صورت سیاسی ادامه پیدا کند و کمیته‌ای متشکل از ۵ نفر از نظامیان هر یک از طرفین درگیری بر آتش‌بس نظارت داشته باشند (Badi et al., 2021: 18). در بحبوحه خاتمه درگیری در لیبی تقابل امارات-ترکیه در ادامه به شرق مدیترانه کشیده شد و جبهه‌ای دیگری بین آنها باز گردید. یونان، اسرائیل و قبرس در سال ۲۰۱۹، توافق‌نامه‌ای را برای ساخت خط لوله ایست‌مد' امضا کردند که میادین گازی لویاتان اسرائیل و میادین گازی آفرودیت قبرس را به اروپا متصل می‌کند. این خط لوله از یونان می‌گذرد و ترکیه را دور می‌زند.

در ژانویه ۲۰۲۰، مصر پیشنهاد تأسیس انجمن گاز ایست‌مد شد، این انجمن یک سازمان بین‌المللی تحت نفوذ قبرس و یونان است که امارات در سال ۲۰۲۱ پیش از ورود اسرائیل، فلسطین و ایتالیا به آن، عضو ناظر این انجمن شد. انجمن گاز ایست‌مد به این جهت برای ابوظبی جذابیت دارد که پس از ساخت خط لوله جدید، می‌تواند مستقیماً با صادرات گاز قطر به اروپا رقابت کند و جایگزین ارزان‌تر و پایدارتری ارائه دهد. مهم‌تر از همه، این امر از تبدیل شدن ترکیه به یک قطب استراتژیک که آسیا، مدیترانه و اروپا را به هم متصل می‌کند و از ظهور آن به‌عنوان یک منبع انرژی در نظم شبکه جهانی جلوگیری می‌نماید. پروژه

خط لوله است مد همچنین به اماراتی‌ها اجازه می‌دهد تا روابط قویتری با کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد کنند که در مورد ترکیه و دیگر بازیگران مدیترانه مانند اسرائیل نگرانی‌های مشترک دارند. توافق امارات و اسرائیل در اوت ۲۰۲۰ برای عادی‌سازی روابط بر این اساس استوار است و مسیر دیگری برای هماهنگی علیه ترکیه و سایر رقبا فراهم می‌کند (Barkey, 2020).

۵. روابط اقتصادی امارات و ترکیه در دوره پس از ناآرامی‌های عربی

علیرغم تقابل شدید و آشکار بین امارات و ترکیه بر سر گسترش حوزه نفوذ و ارتقاء جایگاه مربوطه در روابط بین‌الملل حوزه منا در دوره پس از ناآرامی‌های عربی، روابط اقتصادی آنها گویای عدم تأثیرپذیری ملاحظات اقتصادی هر دو بازیگر نسبت به تقابل‌های سیاسی آنهاست. در ذیل روند رو به رشد تعاملات متقابل اقتصادی آنها طی دوره مذکور، حسب داده‌های اقتصادی موجود، بررسی خواهد شد.

۵-۱. پویایی تجارت

امارات و ترکیه به‌طور استراتژیک از نزدیکی جغرافیایی و نقاط قوت اقتصادی مکمل یکدیگر استفاده می‌کنند. بنا بر آمار ارائه شده توسط سایت وزارت امور خارجه امارات، این دولت در بین ۲۰ کشور برتر در بازارهای وارداتی ترکیه قرار دارد و ترکیه نیز یازدهمین شریک تجاری بزرگ امارات است که واردات مرتبط با انرژی بخش قابل توجهی از این حجم تجارت را تشکیل می‌دهد. بنا بر داده‌های اقتصادی موجود در دوره ۱۳ ساله پس از ناآرامی‌های عربی (۲۰۱۱-۲۰۲۳) حجم تجارت متقابل امارات و ترکیه ۱۳۲/۸۲۹ میلیارد دلار بود که گویای میانگین سالانه ۱۰/۲۱۷ میلیارد دلار می‌باشد. در این مدت تراز تجاری امارات و ترکیه روندهای مثبت و منفی را نشان می‌دهد. مواقعی وجود داشته که واردات ترکیه از صادرات آن بیشتر شده و در نتیجه تراز تجاری منفی برای ترک‌ها بوده است.

ردیف	سال	صادرات امارات به ترکیه	صادرات ترکیه به امارات	کل حجم تجارت خارجی متقابل
۱	۲۰۱۱	۱/۱۹۵	۳/۷۱۶	۴/۹۱۱
۲	۲۰۱۲	۳/۷۸۵	۸/۱۷۲	۱۲/۰۴۷
۳	۲۰۱۳	۵/۳۸۴	۴/۹۶۶	۱۰/۳۵۰
۴	۲۰۱۴	۳/۲۵۳	۴/۶۵۶	۷/۹۰۹
۵	۲۰۱۵	۲/۰۰۹	۴/۶۸۱	۶/۶۹۰
۶	۲۰۱۶	۳/۷۰۱	۵/۴۰۷	۹/۱۰۸
۷	۲۰۱۷	۵/۵۴۷	۹/۱۸۴	۱۴/۷۳۱

۶/۹۱۸	۳/۱۳۷	۳/۷۸۱	۲۰۱۸	۸
۷/۸۵۵	۳/۵۱۸	۴/۳۳۷	۲۰۱۹	۹
۸/۲۸۴	۲/۷۱۷	۵/۵۶۷	۲۰۲۰	۱۰
۷/۵۳۸	۵/۱۷۹	۲/۳۵۸	۲۰۲۱	۱۱
۹/۱۸۹	۴/۸۲۹	۴/۳۶۰	۲۰۲۲	۱۲
۲۷/۲۹۹	۸/۵۷۶	۱۸/۷۲۳	۲۰۲۳	۱۳

جدول ۱: روابط تجاری متقابل امارات-ترکیه، اعداد به میلیارد دلار (<https://tradingeconomics.com>)

در سال ۲۰۲۲، سهم ترکیه از بازارهای صادرات و واردات امارات تقریباً ۱/۵ درصد بود، اما امارات بیش از ۱/۸ درصد از کل تجارت ترکیه در سال ۲۰۲۲ را در اختیار داشت. امارات عمدتاً به بازارهایی مانند هند، ژاپن، چین، عربستان و سنگاپور صادرات دارد، در حالی که واردات عمدتاً از چین، هند، امریکا، انگلستان و عربستان انجام می‌شود. از سوی دیگر، کشورهای آلمان، امریکا، انگلیس، ایتالیا و عراق مقاصد اصلی صادرات ترکیه هستند، در حالی که عمده واردات آن از چین، آلمان، روسیه، امریکا است (جدول ۲). با توجه به توافقات اقتصادی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ بین امارات و ترکیه انتظار می‌رود حجم تجارت بین آنها در پنج سال آینده تقریباً چهار برابر شود و امارات در زمره پنج کشور برتر در روابط تجاری ترکیه قرار گیرد.

ردیف	پنج شریک اول صادرات امارات + ترکیه در سال ۲۰۲۲	حجم تجارت (به میلیارد دلار)	سهم هر شریک (%)	ردیف	پنج شریک اول صادرات ترکیه + امارات در سال ۲۰۲۲	حجم تجارت (به میلیارد دلار)	سهم هر شریک (%)
۱	هند	۵۲	۱۲/۷	۱	آلمان	۲۱/۹	۸/۳۴
۲	ژاپن	۴۰/۹	۱۰/۲	۲	امریکا	۱۷/۱	۶/۵۳
۳	چین	۳۲/۵	۸/۰۸	۳	انگلستان	۱۳/۷	۵/۲۴
۴	عربستان	۲۷/۸	۶/۹۱	۴	ایتالیا	۱۲/۶	۴/۸
۵	سنگاپور	۱۴/۴	۳/۵۹	۵	عراق	۱۳/۷	۵/۲۴

-	...	-	-	-	...	-	-
۱۷	ترکیه	۵/۰۸	۱/۲۶	۱۳	امارات	۵/۲۵	۲
ردیف	پنج شریک اول واردات + امارات ترکیه در سال ۲۰۲۲	حجم تجارت (به میلیارد دلار)	سهم هر شریک (%)	ردیف	پنج شریک اول واردات + ترکیه امارات در سال ۲۰۲۲	حجم تجارت (به میلیارد دلار)	سهم هر شریک
۱	چین	۵۷/۷	۱۸/۵	۱	چین	۳۸/۵	۱۲/۹
۲	هند	۳۱/۶	۱۰/۱	۲	آلمان	۲۷/۶	۹/۲۳
۳	امریکا	۱۸/۷	۵/۹۸	۳	روسیه	۲۵/۳	۸/۴۶
۴	انگلستان	۱۱/۵	۳/۶۸	۴	امریکا	۱۴/۶	۴/۸۹
۵	عربستان	۸/۸۲	۲/۸۲	۵	ایتالیا	۱۴/۱	۴/۷۳
-	...	-	-	-	...	-	-
۱۲	ترکیه	۵/۲۵	۱/۶۸	۱۳	امارات	۵/۰۸	۱/۷

جدول ۲: پنج شریک اول واردات و صادرات امارات و ترکیه در سال ۲۰۲۲ + تجارت متقابل
(<https://oec.world/en>)

۵-۲. گردشگری

ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و آب و هوایی ترکیه موجب افزایش تعداد بازدیدکنندگان اماراتی از این کشور طی یک دهه مورد بررسی بوده است. تعداد گردشگران که از امارات به ترکیه سفر کردند در سال ۲۰۲۲ به ۱۴۷ هزار نفر می‌رسد که نسبت به سال ۲۰۲۱ بیش از دو برابر افزایش را نشان می‌دهد. در اینجا نیز داده‌های موجود گویای آن است که رقابت سیاسی شدید آنها تاثیر معناداری بر صنعت گردشگری ترکیه از جهت حضور شهروندان اماراتی در این کشور نداشته است. در بازه ده ساله بین ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ در مجموع ۶۱۷ هزار اماراتی از ترکیه بازدید کرده‌اند که می‌توان گفت به‌طور میانگین سالانه نزدیک به ۶۷/۰۰۰ اماراتی از این کشور بازدید داشته‌اند. در سال ۲۰۲۲، ترکیه ۴۴/۳ میلیون گردشگر جذب کرد و درآمد گردشگری آن به حدود ۴۲ میلیارد دلار رسید. سهم امارات بیش از ۱۴۰ میلیون دلار بود (Akbulut, 2023: 6).

سال‌ها	تعداد کل بازدیدکنندگان اماراتی از ترکیه
۲۰۱۱	۳۶
۲۰۱۲	۴۸
۲۰۱۳	۵۲
۲۰۱۴	۵۴
۲۰۱۵	۵۲
۲۰۱۶	۳۸
۲۰۱۷	۵۵
۲۰۱۸	۴۴
۲۰۱۹	۳۸
۲۰۲۰	۶
۲۰۲۱	۴۷
۲۰۲۲	۱۴۷

جدول ۳: نرخ بازدیدکنندگان اماراتی از ترکیه (<https://www.statista.com>)

۵-۳. سرمایه‌گذاری دوجانبه

سرمایه‌گذاری مستقیم ترکیه در دیگر مناطق تا پایان سال ۲۰۲۲، ۱۲۸ کشور را در بر می‌گیرد. در این میان، امارات در بین ۲۰ مقصد ترجیحی سرمایه‌گذاران ترکیه قرار دارد. به طور مشخص، شرکت‌های ترکیه‌ای ۴۴ مورد سرمایه‌گذاری در امارات انجام داده‌اند که ارزش کل سهام این سرمایه‌گذاری‌ها به ۳۴۹ میلیون دلار می‌رسد (جدول ۴).

سال‌ها	سرمایه‌گذاری امارات در ترکیه (به میلیارد دلار)	سرمایه‌گذاری ترکیه در امارات (به میلیارد دلار)
۲۰۱۳	۵/۹	۰/۱
۲۰۱۴	۶/۸	۰/۱

۰/۲	۴/۶	۲۰۱۵
۰/۵	۳/۶	۲۰۱۶
۰/۹	۴/۱	۲۰۱۷
۱/۰	۱/۷	۲۰۱۸
۰/۳	۳/۹	۲۰۱۹
۰/۳	۴/۹	۲۰۲۰
۰/۳	۱/۷	۲۰۲۱
۰/۳	۳/۴	۲۰۲۲

جدول ۴: نرخ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امارات-ترکیه (FDI/STOCK) (منبع: بانک مرکزی ترکیه)

بررسی نرخ سرمایه‌گذاری‌های بعمل آمده توسط امارات در ترکیه طی دوره پس از ناآرامی‌های عربی نیز در کنار سایر شاخص‌ها گویای عدم تاثیرپذیری آن از ملاحظات سیاسی است. در بازه ۱۰ ساله بین ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ امارات نزدیک به ۴۱ میلیارد دلار در بخش‌های مختلف اقتصادی ترکیه سرمایه‌گذاری نموده است که نشان از سرمایه‌گذاری سالیانه ۴/۰۶ میلیارد دلاری در این کشور است. نکته قابل توجه نرخ ناچیز سرمایه‌گذاری متقابل ترکیه در امارات طی دوره مذکور است (Nsour, 2019: 19-23). این کشور در بازه ۱۰ سال مورد بررسی در کل ۴ میلیارد دلار در امارات سرمایه‌گذاری کرده که به طور میانگین سالی زیر ۴۰۰ میلیون دلار می‌شود. اما پس از تغییر الگوی رفتاری سیاست خارجی ترکیه در اواخر سال ۲۰۲۰ و حرکت در مسیر تنش‌زدایی با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله امارات مناسبات برای افزایش سطح سرمایه‌گذاری در این کشور وارد مرحله نوینی شد.

۴-۵. توافقات اقتصادی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳

توافقات میان دو کشور در سال ۲۰۲۱ موجب افزایش سرمایه‌گذاری امارات در ترکیه شده است به‌طوری که ارزش سهام کل سرمایه‌گذاری‌ها در پایان سال ۲۰۲۲ به ۳/۴ میلیارد رسید (جدول ۴). امارات ترجیح می‌دهد در بخش‌های مختلف ترکیه سرمایه‌گذاری کند، از جمله بنادر ترکیه، املاک و مستغلات، ساخت و ساز، امور مالی و گردشگری. یکی از سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه امارات در ترکیه، سهام آن در دنیزبانک پس از فروختن سهام زبربانک روسیه در دنیزبانک به بانک ملی دبی امارات به مبلغ ۳/۲ میلیارد دلار در ماه مه ۲۰۱۸ است (Turak, 2019). امارات در نوامبر ۲۰۲۱، اعلام کرد که یک صندوق سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در ترکیه ایجاد کرده است. انتظار می‌رود این صندوق بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های

انرژی، سلامت و غذا تمرکز کند. هدف این طرح‌ها نیز تعمیق تعامل در دفاع، حمل و نقل و گردشگری بین دو کشور است.

شورای بازرگانی امارات و ترکیه که در سال ۲۰۰۰ با همکاری اتاق‌های بازرگانی و صنعتی اصلی امارات تأسیس شد، هدفش توسعه فرصت‌های همکاری امیدوارکننده است. رئیس شورای بازرگانی امارات و ترکیه در جلسه ژوئیه ۲۰۲۳ شورای تجارت تأکید کرد، به دلیل همکاری قابل توجه در زمینه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تجاری، به‌ویژه در دو سال گذشته، امارات تقریباً به یکی از ۵ مقصد برتر سرمایه‌گذاری ترکیه تبدیل شده است. او خاطرنشان کرد که شرکت‌های ترکیه در دهه گذشته فعالیت‌ها و تجربیات تجاری خود را در کشورهای آفریقایی و همچنین در کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس توسعه داده‌اند. در این راستا، شرکت‌های ترکیه‌ای می‌توانند به حجم قابل توجهی از تجارت در بخش‌های مختلف در تمامی امارت‌های امارات و با شرکت‌های اماراتی در کشورهای ثالث دست یابند (Aslanhan, 2023).

عمر بولات، وزیر بازرگانی ترکیه در همان جلسه بر تاثیر قابل توجه توافقنامه مشارکت اقتصادی جامع امارات و ترکیه بر روابط دوجانبه تأکید داشت، زیرا ۸۰ درصد از تجارت متقابل را پوشش می‌دهد. این توافقنامه دروازه ورود شرکت‌های ترکیه‌ای به بازار خلیج فارس هستند، در حالی که شرکت‌های اماراتی از طریق اتحادیه گمرک ترکیه به بازارهای اتحادیه اروپا دسترسی پیدا می‌کنند. بولات همچنین بر اهمیت اجرای پروژه‌ها و تعهدات شرکت‌های ساختمانی ترکیه تأکید کرد. تمایل شرکت‌های ساختمانی ترکیه برای همکاری با امارات، به‌ویژه در پروژه‌هایی مانند بازسازی اوکراین و سرمایه‌گذاری مشترک در آفریقا، طیف وسیعی از فرصت‌ها را ارائه می‌دهد. چشم‌انداز سرمایه‌گذاری، تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای ثالث برای شرکت‌های اماراتی و ترکیه‌ای در حال باز شدن است، زیرا همکاری ایجاد شده در سطح بالایی در همه زمینه‌ها موانع موجود یا بالقوه را برطرف می‌کند (Kara, 2023).

همکاری این دو کشور در حوزه صنایع دفاعی و انرژی‌های تجدیدپذیر نیز قابل توجه است. انتظار می‌رود توافق اکتبر ۲۰۲۳ بین شرکت صنایع دفاعی هوایی ساحا استانبول و مجموعه ایدج، بزرگترین شرکت دفاعی و هوافضا در امارات، به صنعت دفاعی دو کشور کمک کند و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مختلف را تسهیل نماید. از آنجایی که صنعت دفاعی در ترکیه بخشی است که دائماً با نوآوری‌های فناوری در حال تحول است، این تعامل باعث افزایش صادرات ترکیه به امارات خواهد شد. بر اساس توافق بین دو طرف، ۲۰۰ پروتکل امضا شده است که انتظار می‌رود حجم اقتصادی طی ۵ سال آتی به بیش از ۴۰ میلیارد دلار افزایش یابد (Daily News, 2024). امارات همچنین نمونه‌ای از یک رویکرد فعالانه برای انتقال انرژی است و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در انرژی‌های تجدیدپذیر برای انتقال به منابع انرژی پاک برنامه‌ریزی می‌کند. توافق بین مصدر، یکی از بزرگترین توسعه‌دهندگان انرژی‌های تجدیدپذیر جهان، و فیبا، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی بادی ترکیه، اولین گام در این مسیر است. انتظار می‌رود همکاری امارات و ترکیه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر به مبارزه با تغییرات آب و هوایی و گذار به انرژی پاک کمک کند (Shokri, 2023).

این قرارداد ۵۰/۷ میلیارد دلاری همچنین شامل تعهد یک شرکت سرمایه‌گذاری دولتی ابوظبی برای ارائه ۸/۵ میلیارد دلار اوراق قرضه صکوک برای کمک به بازسازی پس از زلزله ویرانگر در جنوب ترکیه در ماه فوریه ۲۰۲۳ است. علاوه بر این، امارات ۳ میلیارد دلار اعتبار صادراتی به شرکت‌های ترکیه‌ای ارائه کرده است. این در راستای یادداشت تفاهم در مورد تامین مالی اعتبار صادراتی بین شرکت هلدینگ توسعه ابوظبی و اگزیم بانک ترکیه با هدف ارتقای تجارت دوجانبه است (England & Samson, 2023). به‌طور کلی انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری مستقیم امارات در ترکیه و سرمایه‌گذاری مستقیم ترکیه در امارات وارد مرحله جدیدی برای تعمیق روابط اقتصادی بین دو کشور شود. پروژه‌های سرمایه‌گذاری مهم امارات در ترکیه باعث تقویت روابط اقتصادی بین دو کشور در بخش‌های مختلف شده است. این مشارکت فراتر از همکاری‌های اقتصادی است و شامل سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف مانند حوزه دفاعی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌باشد. علاوه بر این، توافقنامه مشارکت اقتصادی جامع برنامه‌ریزی شده مربوط به بازسازی اوکراین و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در آفریقا بر پتانسیل رو به رشد برای گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری و همکاری استراتژیک دوجانبه بین امارات و ترکیه تاکید دارد.

نتیجه‌گیری

روابط دوجانبه امارات و ترکیه در دوره پس از ناآرامی‌های عربی انعکاسی از همگرایی و واگرایی توأمان است. به این معنی که این دو بازیگر در حالی که در چارچوب نظریه موازنه قوا مانع از ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی یکدیگر در چارچوب بلوک‌بندی‌های متضاد یا سیاست‌های تقابلی انفرادی بودند اما با علم به نیازمندی‌های متقابل در مسیر اتحادهای اقتصادی حرکت کرده‌اند تا در نهایت توان کلی خود را افزایش بخشند. ترکیه به عنوان طرفدار مدل اقتصاد مبتنی بر صادرات، امارات را هم یک منبع سرمایه‌گذاری خارجی قابل ملاحظه و هم یک بازار مهم برای صدور تولیدات و خدمات خود می‌بیند. در نقطه مقابل، امارات همکاری اقتصادی با ترکیه، به‌عنوان یک کشور عضو ناتو، را هم تامین‌کننده امنیت خود در خلیج فارس و هم حرکت در مسیر تنوع‌بخشی به اقتصاد خود می‌بیند. در این چارچوب، ناآرامی‌های عربی، نقطه عطفی در روابط متقابل دو کشور محسوب می‌گردد که اختلافات از پیش موجود بین آنها مبنی بر مخالفت اماراتی‌ها با فعالیت سیاسی جریان اسلام‌گرای اخوان در سطح منطقه و همچنین حرکت این کشور در مسیر عادی‌سازی روابط با اسرائیل را وارد مرحله نوینی ساخت. دومینوی ناآرامی‌های عربی زمینه تقابل منافع این دو بازیگر را در مناطق مختلف غرب آسیا و شمال آفریقا فراهم نمود و این دو بازیگر از هیچ تلاش برای مهار متقابل یکدیگر کوتاه نیامدند. اما آنچه موجب نزدیکی آنها تقریباً یک دهه پس از بروز ناآرامی‌های مورد بحث شد، بحران عمیق اقتصادی ترکیه و کاهش شدید و بی‌سابقه ارزش پول ملی این کشور بود. این نابسامانی‌ها موجب تغییر رفتاری دستگاه سیاست خارجی ترکیه در قبال رقبای منطقه‌ای به امید استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی آنها برای خروج از بحران مذکور شد.

با آن که روابط اقتصادی متقابل امارات و ترکیه هیچگاه به طور جدی متکی بر اختلافات سیاسی-ایدئولوژیک آنها در دوره پس از ناآرامی‌های عربی نبود اما توافقات سال‌های ۲۰۲۱ و همچنین ۲۰۲۳ روحی تازه بر کالبد همکاری‌های اقتصادی این دو بازیگر دمیده است. تلاش‌های ابوظبی برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود با جاه‌طلبی‌های اقتصادی رو به رشد ترکیه همسو است. هر دو کشور اهداف بلندپروازانه‌ای از تنوع اقتصادی تا دستیابی به کربن صفر را برای آینده تعیین کرده‌اند. این امر فرصت‌های جدیدی برای مشارکت و منافع متقابل برای هر دو طرف ایجاد کرده است. در این راستا، سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه به خوبی در حال توسعه است و شرکت‌های هر دو طرف به دنبال گسترش سرمایه‌گذاری خود هستند. شرکت‌های ترکیه‌ای مایل به گسترش همکاری با شرکت‌های اماراتی و افزایش سرمایه‌گذاری‌های مشترک خود در کشورهای ثالث هستند. امارات در حال حاضر سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در ترکیه انجام داده که از جمله آنها می‌توان به ایجاد یک صندوق سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلاری در ترکیه اشاره کرد و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر، حوزه دفاعی، فناوری، سلامت، گردشگری و مالی به عنوان بخشی از چشم‌انداز بلندمدت هر دو طرف در دستور کار است.

منابع

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و پوراسمعیلی، نجمیه (۱۳۹۷). سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه: بنیان‌های محافظه‌کارانه، تجدیدنظرطلبانه و ایدئولوژیک. فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۲)، ۷۵-۱۰۴.
- غلام نیا، هادی و پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۹)، تحول در سیاست منطقه ای امارات متحده عربی؛ رهیافت محمد بن زاید. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۹)، ۱۴۵-۱۱۵.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات میزان.
- کاظمی دوبخشری، امین، زیبایی، مهدی و سرخیل، بهنام (۱۴۰۰)، سیاست خارجی نوین امارات در منطقه غرب آسیا. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۴(۵۲)، ۲۲۹-۲۰۷.
- گل محمدی، ولی، سجادی‌پور، سید محمدکاظم و موسوی شفائی، مسعود (۱۳۹۵)، اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه ای ترکیه. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۹(۷۳)، ۹۲-۶۹.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا. ترجمه و بررسی غلامعلی چگنی‌زاده. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

References

- Akbulut, G. (2023), Strengthening Economic Ties Between Türkiye and the United Arab Emirates. Dış Politika Enstitüsü. Available at: https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://foreignpolicy.org.tr/wp-content/uploads/2023/12/STRENGTHENING-ECONOMIC-TIES-BETWEEN-TURKIYE-AND-THE-UNITED-ARAB-EMIRATES-.pdf&ved=2ahUKewjjz7OU3OuKAX-UpRjABHT_-H0AQFnoECBcQAQ&usg=AOvVaw36-pEk5o1rXmyQWs8kiYxU
- Al Shami, I. (2022), Arab Tribes and Saudi Influence in Northeastern Syria. Washington In-

- stitute for Near East Policy. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/arab-tribes-and-saudi-influence-northeastern-syria>
- Aslanhan, U. (2023), BAE-Türkiye İş Forumunda “yatırımların ve iş birliklerinin artırılması” çağrısı, Anadolu Ajansı. Available at: <https://www.aa.com.tr/tr/ekonomi/bae-turkiye-is-forumunda-yatirimlarin-ve-is-birliklerinin-artirilmesi-cagrisi/2949746#>
 - Aydıntaşbaş, A. and Bianco, C. (2021), Useful enemies: How the Türkiye -UAE rivalry is remaking the Middle East. The European Council on Foreign Relations (ECFR), Available at: <https://ecfr.eu/publication/useful-enemies-how-the-Türkiye-uae-rivalry-is-remaking-the-middle-east/>
 - Badi, E., Gallet, A. and Maggi R. (2021), The Road to Stability: Rethinking Security Sector Reform in Post-Conflict Libya. Geneva Centre for Security Sector Governance. Available at: https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.dcaf.ch/sites/default/files/publications/documents/The_Road_to_Stability11.11.2021.pdf&ved=2ahUKEwjC-InR1OuKAXWm4jgGHfhoPb4QFnoECDMQAQ&usg=AOvVaw-3M0ChGuGcdNJDP6kuE004F
 - Barkey, H. J. (2020), The UAE-Israel Agreement Isn't Only About Iran. There's Also Türkiye. Council on Foreign Relations. Available at: <https://www.cfr.org/article/uae-israel-agreement-isnt-only-about-iran-theres-also-Türkiye>
 - Bishku, M. B. (2022), Türkiye and the United Arab Emirates: From Cooperation to Rivalry. Contemporary Review of the Middle East, 9(2), 184-199. <https://doi.org/10.1177/23477989221078492>
 - Daily News. (2024), Türkiye seeks to boost trade with UAE to \$40 billion. Available at: <https://www.zawya.com/en/economy/gcc/turkiye-we-aim-to-increase-trading-with-uae-to-40bln-g4d5o9zf>
 - Dehghani Firouz Abadi, S. J. and Pouresmaeili, N. (2018), Turkey's Foreign Policy in the Middle East: Conservative, Revisionist, and Ideological Foundations. Foreign Relations, 10(2), 75-104 (In Persian).
 - England, A. and Samson, A. (2023), UAE and Türkiye sign multibillion-dollar agreements. Financial Times. Available at: <https://www.ft.com/content/63c1282c-ccc1-43d6-b4bf-240b11255676>
 - Fenton-Harvey, J. (2020), The UAE's hidden hand in Tunisia's political crisis. The New Arab. Available at: <https://www.newarab.com/analysis/uaes-hidden-hand-tunisias-political-crisis>
 - Gallopin, J. B. (2020), The Great Game of the UAE and Saudi Arabia in Sudan. Pomeps Studies 40. Available at: <https://pomeps.org/pomeps-studies-40-africa-and-the-middle-east-beyond-the-divides>
 - Ghasemi, Farhad. (2012), Principles of International Relations. Tehran: Mizan Publications (In Persian).
 - Ghulamnia, H., & Pirmuhammadi, S. (2021), Transformation of the Regional Politics of United Arab Emirates: Muhammad Ben Zayed's Approach. Security Horizons, 13(49), 115-145 (In Persian),
 - Golmohammadi, V., Sajjadpour, S. M. K. and Shafaiee, M. M. (2016), Erdoganism and Understanding the Turkish Middle East Policy. Strategic Studies Quarterly, 19(73), 69-92 (In Persian),
 - Habibi, N. (2023). Türkiye 's Economic Crisis and Erdoğan's Multiple Rapprochement

- Initiatives. Middle East Brief. No. 152
- Hearst, D. (2016), Exclusive: UAE 'funnelled money to Turkish coup plotters'. Middle East Eye. Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/exclusive-uae-funnelled-money-turkish-coup-plotters>
 - Jabbour, J. J. (2022), After a Divorce, a Frosty Entente: Türkiye 's Rapprochement with the United Arab Emirates and Saudi Arabia. French Institute of International Relations (Ifri). Available at: <https://www.ifri.org/en/papers/after-divorce-frosty-entente-Türkiye-s-rapprochement-united-arab-emirates-and-saudi-arabia>
 - Kara, B. (2023), UAE to open to third countries with Türkiye. TR Monitor. Available at: <https://www.trmonitor.net/uae-to-open-to-third-countries-with-Türkiye/>
 - Kazemi Dobakhshari, A., Zibae, M., & Sarkhil, B. (2021), New UAE foreign policy in West Asia. Security Horizons, 14(52), 207-229 (In Persian).
 - Nsour, M. (2019), Economic Cooperation between the United Arab Emirates and Türkiye. Arab Law Quarterly. 33(1), 5-34.
 - Little, Richard. (2010), The Evolution of the Balance of Power Theories. Translated and reviewed by Gholamali Chagnizadeh. Tehran: Tehran Abrar Contemporary Cultural Institute for International Studies and Research (In Persian).
 - Paksoy, Y. (2017), UAE allegedly funneled \$3B to topple Erdoğan, Turkish government. Daily Sabah. Available at: <https://www.dailysabah.com/politics/2017/06/13/uae-allegedly-funneled-3b-to-topple-erdogan-turkish-government>
 - Shokri, U. (2023), Strengthening Ties: UAE's Investment in Türkiye 's Offshore Wind and Turbine Sector. Emirates Policy Center (EPC). Available at: <https://epc.ae/en/details/brief/strengthening-ties-uae-s-investment-in-Türkiye-s-offshore-wind-and-turbine-sector>
 - Soylu, R. (2020), Türkiye will hold the UAE accountable at right place and time: Defence minister. Middle East Eye. Available at: <https://www.middleeasteye.net/news/Türkiye-uae-accountable-defence-minister>
 - Turak, N. (2019), Dubai's largest lender bags nearly half a billion in savings on its Turkish bank acquisition thanks to the lira drop. CNBC. Available at: <https://www.cnbc.com/2019/04/03/dubai-emirates-nbd-acquires-turkish-bank-from-russia.html>
 - Yesil B. (2023), Global Populism: Its Roots in Media and Religion| Mediating Muslim Victimhood: An Analysis of Religion and Populism in International Communication. International Journal of Communication, 17.2904-2924 .
 - Zaptia, S. (2022), Libya must settle its US\$ 4 bn debts with Turkish companies on barter basis: DEIK head Karanfil. The Libya Herald. Available at: <https://libyaherald.com/2022/07/libya-must-settle-its-us-4-bn-debts-with-turkish-companies-on-barter-basis-deik-head-karanfil/>